**5شنبه 7/4/1403-20ذیحجه1445-27ژوئن2024-درس 42تفسیر ترتیبی مدیریتی قرآن کریم- خبائث و طیبات ملاک مقررات سازمان**

[سوره المائدة (5): آيات 98 تا 100]

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ وَ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (98) ما عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاغُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما تُبْدُونَ وَ ما تَكْتُمُونَ (99) قُلْ لا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَ الطَّيِّبُ وَ لَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يا أُولِي الْأَلْبابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (100)

بدانيد كه كيفر خداوند، سخت و خداوند آمرزگار و رحيم است. وظيفه پيامبر تنها ابلاغ و خداوند به آشكار و نهان شما آگاه است.

بگو: بد و خوب، برابر نيستند، اگر چه بسيارى بديها تو را بشگفتى وادارد، اى خردمندان، از خدا بترسيد، شايد رستگار شويد.

بيان آيه 98- 99

لغت‏

علم: حالتى است كه به انسان اطمينان و آرامش مى‏بخشد. در حقيقت، معناى آن اعتقاد صحيح به چيزى از روى اطمينان است. «رؤيت» نيز به همين معنى است، با اين تفاوت كه: علم همه جهات امرى را معلوم ميدارد لكن «رويت» تنها از يك جهت، امرى را مشخص مى‏سازد.

عقاب: زيانى است كه از روى استحقاق، همراه با خفت و اهانت، دامنگير انسان ميشود. علت اينكه «عقاب» گفته‏اند، اين است كه بدنبال و «عقب» گناه، به سراغ انسان مى‏آيد.

مغفره: پوشيدن گناه و بر طرف كردن كيفر آن.

رسول: از ارسال بمعناى فرستادن، فرستاده. فرق بين «رسالت» و «نبا» اين است كه: «نبا» خبر دادنى است كه توقع اطاعت، با آن نيست، بر خلاف رسالت، كه خبر دهنده انتظار دارد كه از او اطاعت كنند.

بلاغ: رسيدن معنى به ديگرى، و در اينجا مقصود اين است كه تهديدهاى الهى به مردم ابلاغ شود. اين كلمه، بمعناى كفايت نيز هست.

مقصود

در آيات پيش خداوند، يك سلسله از احكام و مقررات دينى را بيان كرد. اكنون مردم را وعده و وعيد داده، مى‏فرمايد:

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ‏: بدانيد كه كيفر خداوند نسبت به گنهكاران، سخت است.

وَ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ‏: و خداوند نسبت بمردم تائب و مطيع، آمرزگار و رحيم است.

در اينجا «مغفرت و رحمت» هر دو را آورده است، زيرا خداوند تنها كيفر را از چنين مردمى برنمى‏دارد، بلكه بفضل و كرم خود به آنها نعمت مى‏بخشد.

از آنجا كه در اين آيه بشارت داده و ترسانيده بود، در آيه بعد فرمود:

- ما عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلاغُ‏: وظيفه پيامبر، تنها اداى رسالت و بيان احكام است، اما قبول و فرمانبردارى، به مردم ارتباط دارد.

وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما تُبْدُونَ وَ ما تَكْتُمُونَ‏: هيچيك از احوال آشكار و نهان شما بر خداوند پوشيده نيست. اين جمله، از لحاظ تهديد و وعيد، در نهايت درجه قرار دارد.

آيه‏ «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ ...» دلالت دارد بر اينكه: شناختن عقاب و ثواب واجب است، ثواب و عقاب، در باب تكليف، نتيجه لطف خدا هستند.

بيان آيه 100

لغت‏

استواء: استوا بر چهار قسم است: مساوى بودن در مقدار، مساوى بودن در مكان، مساوى بودن در رفتن و مساوى بودن در انفاق. از همان معناى «استواى در مكان» اين كلمه به معناى «استيلا» نيز بكار رفته است، زيرا تا استواى در مكان نباشد، چنين تمكن و اقتدارى حاصل نمى‏شود.

خبيث: چيز پست.

اعجاب: خوشحال شدن از امرى تعجب آور. «عجب» بمعناى خودخواهى نيز از همين باب و مذموم است.

مقصود

خداوند، در آيات پيش حرام و حلال را بيان كرد، اكنون براى بيان اينكه اينها با هم مساوى نيستند، مى‏فرمايد:

- قُلْ لا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَ الطَّيِّبُ‏: حسن و جبايى گويند: يعنى به آنها بگو حرام و حلال مساوى نيستند. سدى گويد: يعنى كافر و مؤمن مساوى نيستند.

وَ لَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ‏: اگرچه بسيارى كارهاى حرام، شما را به شگفتى وادارد، زيرا در كار حرام- اگرچه بسيار باشد- بركتى نيست. حال آنكه در حلال- اگر چه كم باشد- بركت است. برخى گويند: اين خطاب به پيامبر اسلام و مقصود، امت اوست.

فَاتَّقُوا اللَّهَ يا أُولِي الْأَلْبابِ‏: اى خردمندان، از كارهاى حرام بپرهيزيد.

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ‏: شايد رستگار شويد و به ثواب بزرگ و نعمت ابدى برسيد.[[1]](#footnote-1)

تفسیر مدیریتی

1. اعْلَمُوا – بیانیه قاطع
2. أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ –قاعده مهم – 1خداوند دارای مجازت شدید است
3. وَ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (98) 2خداوند آمرزنده و مهربان است یعنی اول از گناه پاک میکند بعد پاداش میدهد .

نکته : طبق این قاعده دو وجهی اول عذاب وبعد پاداش را میگوید ظاهرا بازدارندگی بیش تری دارد در مدیریت هم باید هم باید مدیران اول هیبت نشان دهند و بعد محبت و بخشش

1. ما عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاغُ –قاعده سوم :رسول و رهبر مکلف و موظف به بلاغ است و ابلاغ مکلف به مجبور کردن پیروان به اطاعت نیست مامور به تکلیف است مامور به نتیجه نیست این قاعده دال بر حصر بلاغ به عنوان وظیفه رسول است ولی مقام امامت و مدیریت وریاست علاوه بر بلاغ وابلاغ موظف به حکمرانی هم هست فافهم .
2. وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما تُبْدُونَ وَ ما تَكْتُمُونَ (99) – قاعده چهارم : تهدید جدید بازدارنده و نظارتی و حراستی : خداوند نسبت به واکنش شما پیروان و مخاطبان رسول علم و اطلاعات کافی دارد واکنش علنی یا مخفی شما را میداند اطاعت یا معصیت و بی تفاوتی اگر بی تفاوتی معصیت آنگاه قاعدتا شدید العذاب و اگر اطاعت و تبعیت علی القاعده غفور ورحیم است .(طبق قاعده 1و2)
3. قُلْ لا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَ الطَّيِّبُ- قاعده پنجم \_ عدم استواء خبیث و طیب (پلیدی و پاکی ) خباثت یک شیئ ملاک حرمت و ممنوعیت آن و پاکی شیئ ملاک حلالیت آن است (احکام دائر مدار مفاسد و مصالح واقعی است دائر مدار خبائث و طیبات است ) یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث (سوره اعراف ) مقررات سازمانی هم همین طور است سازمان دارای حیات طیبه باید از فعل و ترک پلید دور شود .
4. وَ لَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ ولو خبیث سود آور و جاذب مشتری و بازار باشد ولو ارقام نجومی و چشم پرکن و خیره کننده به همراه داشته باشد شوینده خباثت نیست و این میتواند قاعده ششم حساب شود .
5. فَاتَّقُوا اللَّهَ يا أُولِي الْأَلْبابِ -ای صاحبان خرد و نخبگی و صاحبان مناصب و مقامات عالیه سازمان و غیر سازمان بعد از اعلام (اعلموا) 5 قاعده که دال بر الزام آگاهی و علم است یعنی باید اطلاعات و علم خود را زیاد کنید نسبت به قواعد پنجگانه . تقوا داشته باشید یعنی مراقبت کنید اعمالتان و عملکردتان با این قواعد هم خوانی داشته باشد فعل و ترکتان قاعده مند باشد این قاعده مندی شما مدیران ورهبران کاشف از نخبگی و خردمندی شماست و الا اولوا لباب نیستید و لو نمایش دهید .
6. لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (100) نتیجه این التزام به الزامات و اعلامات پنج گانه فلاح و رستگاری است رسیدن به اهداف سازمانی و نهادی است در دنیا و آخرت و

جمع بندی

 فلاح و بهره وری و نیل به اهداف عالیه سازمانی نتیجه تقوای خردمندانه در تبعیت از قواعد وحیانی اداره و تدبیر است که عمده آن تطبیق عمل بر احکام و مقرراتی است که دائر مدار بر خبائث و طیبات هستند گرایش به خبائث و پلیدی ها ممنوع و مکروه و گرایش به طیبات وظیفه الزامی و ترجیحی است .

1. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-1)